



بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

پنجاه و چهار سال از روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ که با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل «زنگ خون به صدا درآمد و توفان شکوفه داد» می گذرد. گروه کوچکی که خالق این رویداد شگرف بودند و دیکتاتوری شاه را به چالش کشیدند، پس از چند سال کار تدارکاتی، مبارزه ای را شراره زدند که به آفتابی درخشان تبدیل شد. توفان کُنش جسورانه رزمندگان انقلابی، خاکستر نشسته بر جنبش کمونیستی ایران را زدود و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران را بر تارک این جنبش به ثبت رساند. کوله باری که رزمندگان دلیر گروه جنگل بر دوش داشتند، انباشته از عشق به آزادی و برابری و لبریز آرمان رهایی و سوسیالیسم بود. بر پرچم حماسه آفرینان گروه جنگل، انقلاب برای رهایی و شورش برای به کرسی نشاندن زندگی انسانی نقش بسته بود.

گروه جنگل با عمل انقلابی خود «قدرت مطلق» دیکتاتوری شاه را به چالش کشید و راه غلبه بر «ضعف مطلق» توده ها را به آنان نشان دادند. حماسه سیاهکل آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید داد و دیری نپایید که برجسته ترین، انقلابی ترین و صادق ترین زنان و مردان ایران زمین که در اندیشه رهایی بودند و قلب شان برای آزادی و سوسیالیسم می طپید، در سراسر فلات آفتاب و باد به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیوستند و در آستانه انقلاب ضد سلطنتی، جنبش پیشتاز فدایی به یک نیروی توده ای بزرگ و تاثیر گذار تبدیل شد، و طی پنج دهه گذشته، قیام برای رهایی، شورش برای به کرسی نشاندن زندگی انسانی و رشد بی سابقه آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان ادامه پیدا کرد.

رژیم شاه در واکنش به حماسه سیاهکل، به سرکوبی گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمعی طی عملیات پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، محمد هادی فاضلی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی، عباس دانش پهبزادی و هوشنگ نیری در بیدارگاههای نظامی فرمایشی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند. بقیه در صفحه ۳

همایش پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد

صفحه ۲

دوازدهمین اجلاس شورای عالی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با موفقیت به کار خود پایان داد

صفحه ۴

متن سخنان عزیز پاک نژاد در

همایش بزرگداشت

پنجاه و چهارمین

سالگرد رستاخیز سیاهکل

صفحه ۷

به یاد ستارگان شبکوب

م. وحیدی (م. صبح)

صفحه ۱۰

بخوان به نام ستاره

مرجان

صفحه ۱۱

متن سخنان زینت میرهاشمی

در همایش بزرگداشت

پنجاه و چهارمین

سالگرد رستاخیز سیاهکل

صفحه ۵

پیامهای رسیده به همایش

بزرگداشت پنجاه و چهارمین

سالگرد رستاخیز سیاهکل

صفحه ۱۱

همایش پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد



روز شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۲۵، مراسم بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل با شعار «بیکار برای انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم»، در شهر کلن (آلمان) با شرکت پرشور شمار زیادی از ایرانیان آزادیخواه برگزار شد. این برنامه همزمان در «فیس بوک»، رادیو «راه ابریشم» و شبکه «ایکس» پوشش داشت.

برنامه را رفیق کامران عالمی نژاد شروع کرد. او در سخن آغازین گفت: «خانمها و آقایان، دوستان، رفقا

پیش از هر چیز از حضور شما سیاستگذاری می کنم و امیدوارم همایش امشب، پیوند همه ما را به تاریخ الهام بخش مبارزات خلق مان زنده تر و عمیق تر کند. بزرگداشت برگهایی از این تاریخ، مانند رستاخیز سیاهکل، یادآوری مجرد گذشته نیست، بلکه دریچه ای است که از پس آن می توان به چشم انداز پیش رو نگریست و راه رسیدن به آن را نشانه گذاشت.

چرا که سیاهکل آفریننده یک هویت سیاسی ایدیولوژیک است که دفتر آن با واژه برنتابیدن می یابد.

پنجاه و چهار سال از حماسه سیاهکل می گذرد، اما سایه سیاه ستمگری همچنان بر میهن مان سنگینی می کند. پس چه خوش باد آنکه در دل تاریکی آتش برفروختند و ایستادگی و پایداری را به رسمی فرای نسلها درآنداختند.

محمدرضاشاهی را تداوم بخشیده، مقاومت تاریخی خلق ایران و فرزندان دلیر آن هم در مبارزه جاری زنان، برآشوبی پرشور جوانان و نبرد بی توقف کارورزان تداوم می یابد.

از کردستان تا زاهدان این پرچم سرخ برخاستن است که دست به دست از گذشته به آینده امانت گذاشته می شود تا شهادت دهد: آرمانهای تاریخی مردمان این سرزمین - آزادی و عدالت - نامیراست و در قلب و ذهن آنان سنگری استوار دارد.

ارج بگذاریم به این مبارزه و نمادهای آن. ارج بگذاریم شهیدان و اسرای سرفراز خلق در دو نظام شاه و شیخ. خواهش می کنم بر خیزیم و به افتخار آنها یک دقیقه دست بزیم.»

در ادامه همایش رفیق فرنگیس بایقره یکی از سروده های جاوید نام رفیق مرضیه احمدی اسکویی با عنوان «در پگاه» را به زبان ترکی و برگردان آن به زبان فارسی را خواند.

پس از آن بخشهایی از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل خوانده شد.

در ادامه، رفیق زینت میرهاشمی سخنان خود را شروع کرد. وی در سخنرانی خود نقاط مشترک رستاخیز سیاهکل و خیزشهای سال جاری را تشریح و تحلیل کرد.

پس از آن رفیق عزیز پاک نژاد، تحلیل پیرامون رستاخیز سیاهکل و تاثیر آن در جامعه و نیز بررسی شرایط کنونی را ارائه داد.

پس از پایان سخنرانیها، سی دقیقه تنفس اعلام و پس از آن رفیق صنم بخش دوم همایش را با دکلمه سروده ای کُردی همراه با برگردان فارسی آن شروع کرد و بعد از او، برنامه با اجرای دو ترانه - سرود توسط رفیق لطفه ادامه پیدا کرد.



بخش بعدی همایش گپ و گفت با حضار بود. رفیق لیلیا جدیدی، رفقا زینت میرهاشمی و عزیز پاک نژاد را برای حضور در این بخش دعوت کرد. گپ و گفت با شرکت فعال حاضران در سالن به مدت یک ساعت ادامه پیدا کرد.

پس از آن رفیق فریدون، ترانه سرودهایی از «کارگاه هنر ایران» را اجرا کرد و همایش با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

سالن همایش با دسته گل‌های تقدیمی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران مجاهدین در آلمان آذین شده بود.

قابل ذکر است که متن کامل سخنرانیها، پیامها و اشعار خوانده شده در شماره ویژه ماهنامه نبرد خلق به زودی انتشار خواهد یافت.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت پنجاه و چهارمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



شرایط خامنه ای در تدارک شعبده موسوم به انتخابات است.» (بیانیه سچخفا، شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲)

تحولات در سپهر سیاسی کشور در یک سال گذشته چنین است:

روز آدینه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، دوازدهمین دوره نمایش انتخابات مجلس و ششمین دوره انتخابات خبرگان ولی فقیه برگزار شد.

تحریم گسترده این شعبده از یک خیزش سیاسی کلان رونمایی کرد و برای خانواده شهیدان جنبش انقلابی، زندانیان سیاسی و بیکارگران برای آزادی لحظه های شادی را رقم زد.

روز آدینه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ دور دوم این نمایش برگزار شد و این بار هم با تحریمی بسافراگیرتر روبرو شد و اشغالگران بهارستان با کسب آرای کمتر از ده درصد از صاحبان حق رای وارد این نهاد حکومتی شدند.

روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ خبر سقوط بالگرد رئیسی پوشش رسانه ای پیدا کرد. ولی فقیه در همان روز گفت: «ملت ایران [بخوانید دلوایسان و کارگزاران ولایت] نگران و دلوایس نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی آید.» به دنبال انتشار خبر هلاکت ابراهیم رئیسی، ولی فقیه معاون رئیسی را مامور ادامه کار دولت تا انتخاب رئیس جمهور جدید نمود.

روز آدینه ۸ تیر ۱۴۰۳ شعبده انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. از قوطی معرکه گیری جنتی شش تن از کارگزاران نظام که جملگی خود را «ذوب در ولایت فقیه» اعلام کردند، تایید صلاحیت شدند. این نمایش نیز با تحریم گسترده روبرو شد که در آن جلیلی و پزشکیان به دور دوم روانه شدند. پیش از به صحنه آوردن دور دوم نمایش، خامنه ای روز چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۳ گفت: «اگر مردم در مرحله دوم مشارکت واضح تر و بهتر و روشن تری داشته باشند، نظام جمهوری اسلامی این توانایی را پیدا خواهد کرد که حرف خودش و نیات و مقاصد خودش را چه در داخل کشور و چه در مجموعه امتداد راهبردی کشور تحقق ببخشد.»

طبق نتیجه نهایی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که دور دوم آن در روز جمعه ۱۵ تیر ۱۴۰۳ برگزار شد، مسعود پزشکیان به عنوان نهمین رئیس جمهور اعلام شد و بدین ترتیب پروژه خالص سازی روانه بایگانی شد.

در بعد خارجی با ادامه جنگ ویرانگر در غزه و با حذف هنیه و حسن نصرالله و دیگرانی از حماس و حزب الله، ضربه های جدی به نیروهای موسوم به «محور مقاومت» و در حقیقت محور شرارت به سرکردگی رژیم ولایت فقیه وارد شد. ضربه نهایی در روز یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳ به این محور با سقوط بشار اسد وارد آمد. پیرامون این کلان ضربه به ولی فقیه ما اعلام کردیم: «گرچه نخستین گام مردم سوریه یک پیروزی برای آنان و موجب شادی برای همه آزادیخواهان است، گرچه این پیروزی ضربه کمرشکن و فلج کننده به "محور ارتجاع" خامنه ای وارد کرده، اما پیشرفت انقلاب تضمین شده نیست و به عوامل مختلفی بستگی دارد که در صدر آنها به جریان افتادن پروسه های دموکراتیک و سکولار (نظام غیر دینی) در ساختارهای سیاسی، قضایی، انتخابی و در تنظیم مناسبات بین گروههای اجتماعی و ملی در سوریه قرار دارد. آینده سوریه با شرکت موثر مردم در سرنوشت خود، ایستادگی در برابر مطامع مداخله گران خارجی همچون ترکیه، قطر، رژیم ایران، روسیه و اسرائیل و خنثی کردن توطئه های مزدوران آنها تضمین می شود.» (بیانیه سچخفا، سه شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳)

تحلیل کامل ما پیرامون این رویدادها به زودی از طریق شورای عالی سازمان اعلام خواهد شد.

زنان و مردان ایران زمین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و در آغاز پنجاه و چهارمین سال حیات خود، یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی پنجاه و سه سال گذشته در بیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی، در راه هدفهای سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرمی می دارد.

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

روز چهارشنبه ۱۹ دی امسال خامنه ای برای پنهان کردن تاثیر کُش حماسه سیاهکل بر سپهر سیاسی ایران طی یک سخنرانی به دروغ مدعی شد که «جز حرکت تابع امام بزرگوار حرکت دینی و نهضت دینی که فعال بود سراسر کشور»، «از پنجاه سه و چهار به بعد تا ۵۶ و تا پیروزی انقلاب هیچ سازمانی، هیچ تشکیلاتی در سطح کشور وجود نداشت که بتواند حرفی بزنه، اعتراضی بکنه همه رو سرکوب کرده بودند.» او برای تایید ادعای خود از چریکهای فدایی خلق نام برد. جعل تاریخ از جانب ولی فقیه نظام آن چنان رسوا بود که در باز نشر نوشتاری سخنان اش، نام چریکهای فدایی حذف شد. حرکت بلاهت بار خامنه ای برای حذف بخش برجسته ای از تاریخ میهن ما، به روشنی نشانگر هراس او از تاثیر پذیری «خیابان» از مبارزات انقلابی و الهام بخش دهه های چهل و پنجاه است. او از تکیه زدن کُنشگران و نیروهای پیشتاز جنبشها و قیامها به این تجربه های تاریخی وحشت دارد؛ کسانی همچون جاوید نام «عرفان زمانی»، جوانی ۲۷ ساله و ساکن شهرک سیاهکل که در شب ۱۲ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم گلوله به شهادت رسید. او در آخرین پست تلگرامی خود نوشته بود: «بجنگ مثل آب جاری! توی راهت شک نکن. میشه صخره را هم سوراخ کرد.» زنده یاد عرفان زمانی ادامه دهنده نقشه راهی است که دیوار ستبر دیکتاتوری شاه را سوراخ کرد. ما همچنین همه ساله واکنش شاه و خمینی به حماسه سیاهکل و جنبش پیشتاز فدایی را یادآور می شویم تا دون مایگی نظریه پردازانی که کُش چریکها را تحقیر و یا ناچیز می شمارند را ملموس کنیم.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...» موضع خمینی آن چنان شاه پسند و فضاحت بار بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارزه»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

هموطنان، زنان و مردان آزادیخواه

در یک سال گذشته همزمان با گسترش بحران اقتصادی و تعمیق فلاکت عمومی، سپهر سیاسی کشور انباشته از رویدادهایی بود که طومار راهکار خالص سازی را در هم پیچید و ولایت خامنه ای را به ضعیف ترین وضعیت فروکاست. از میان بحرانهایی که محصول رژیم جمهوری اسلامی است، بیکاری، افزایش بی دنده و ترمز نقدینگی و در نتیجه افزایش روزانه تورم، اختلاف فاحش طبقاتی و بالاخره حجاب اجباری به خاطر دامنه فراگیری آن به ابربحران تبدیل شده است. همزمان، حاکمیت با سیاستها و تصمیمهای ضد مردمی خود که با فساد و بی لیاقتی نیز ترکیب شده، زیرساختهای اولیه زیست مدنی مانند آب، برق و انرژی را تخریب کرده و کار و زندگی عادی را به مجازاتی طاقت فرسا و خسارت بار بدل ساخته است. خامنه ای در محاصره این بحرانهایی و ابربحرانهایی که در «پائین» مولد جنبش، شورش و قیام است و در «بالا» چالش و تضاد در درون ولایت اش تولید می کند، راهکار یکدست سازی و در تکامل آن خالص سازی را در پیش گرفت و در این مسیر برای انجام شعبده موسوم به انتخابات برنامه ریزی کرد.

پیرامون نمایش انتخابات در بیانیه سال پیش به مناسبت سالگرد حماسه سیاهکل نوشتیم: «ولایت خامنه ای در نقش پدرخوانده و بانک دستجات بنیادگرا، جمهوری اسلامی را به قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی تبدیل کرده است. صدور ترور و ارتجاع، جنگ افروزی و آشوبگری در خارج از مرزهای کشور از طریق نیروهای موسوم به "محور مقاومت" و البته یکدست سازی و در تکامل جبری آن "خالص سازی" و در پیشاپیش همه آنها سرکوب بی محابا در داخل کشور، راهبرد ولی فقیه برای مهار جنبش انقلابی و جلوگیری از برآمد توده ای است. در چنین

دوازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با موفقیت به کار خود پایان داد



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از روز یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ (۱۶ فوریه ۲۰۲۵) تا نهمروز سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ (۱۸ فوریه ۲۰۲۵)، دوازدهمین اجلاس شورای عالی خود را با حضور مسئولان و اعضای سازمان با یک دقیقه سکوت به احترام و در بزرگداشت یاد و خاطره شهیدان جنبش پیشتاز فدایی و همه شهیدان راه آزادی مردم ایران آغاز کرد. سپس دستور اجلاس که از طرف دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود، به شرح زیر تصویب رسید:

- * بحث و بررسی گزارش سیاسی سخنگوی سازمان در مورد تحولات سیاسی
- * دریافت گزارش بخشهای مختلف تشکیلات و بررسی نقاط قوت و ضعف هر بخش
- * انتخاب کمیته مرکزی سازمان

در نخستین بخش، سخنگوی سازمان گزارش سیاسی را که به طور عمده به شرایط سیاسی - اجتماعی طی دو سال پیش اختصاص یافته بود، ارائه داد که در مقدمه آن نوشته شده «گزارش پیش رو، فرآورده بحث و گفتگو در دهها سمینار درونی، توجه و بهره مندی از مقاله ها و گزارشهای پوشش داده شده در بیست و چهار شماره ماهنامه نبرد خلق و دو ویژه نامه آن، ارزیابی از دستکم بیست هزار سند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (از رسانه های حکومتی، و سیاست جنگ خبر، انتشارات شورای ملی مقاومت ایران و برخی دیگر جریانهای مخالف رژیم و رسانه های خارج از کشور) است.

روش نگارش این گزارش مستند کردن بحرانهای موجود در کشور با توجه ویژه به بحران انقلابی، به طور عمده با استناد به سخنان و گفته های کارگزاران و رسانه های حکومتی است، هرچند از سایر رسانه ها نیز به میزانی بهره برده است.»

شورای عالی سازمان پس از گفت و گو و تبادل گسترده آراء، گزارش سخنگوی سازمان را به تصویب رساند. متن کامل این گزارش در شماره آینده ماهنامه نبرد خلق که به زودی منتشر می شود پوشش داده می شود.

در دومین بخش اجلاس شورای عالی، مسئولان نهادها و ارگانهای سازمان گزارش فعالیتهای خود در فاصله دو نشست را به اجلاس ارائه دادند. این گزارشها مورد بررسی قرار گرفت و پیرامون آنها طرحها و پیشنهادهایی در دستور کار قرار گرفت.

آخرین بند دستور کار اجلاس، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شورای عالی، اعضای کمیته مرکزی را با رای گیری مخفی و با حدنصاب نصف به اضافه یک برگزید.

نشست شورای عالی سازمان پس از سه روز کار فشرده، با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی منتخب شورای عالی، در نخستین جلسه خود که به زودی برگزار خواهد شد، مسئولان بخشها و نهادهای سازمان را انتخاب و راهکارهای عملی برای اجرای مصوبات شورای عالی را تعیین خواهد کرد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

<http://www.iran-nabard.com/SIAHKAL%202025/gozaresh0%20ejlas.htm>

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۳

ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان جنبش انقلابی ژینا به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

ما به پایداری خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم.

ما از مبارزه زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و جدایی دولت از دین مبارزه می کنند، از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسیتی و مقاومت بی نظیر آنان علیه حجاب اجباری و از مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای برچیدن تبعیض مذهبی حمایت می کنیم.

ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. «نان، کار و آزادی» خواست عمومی مردم ایران به ویژه تهیدستان و فرودستان است. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.

ما از اعتراضات صنفی و سیاسی دانشجویان کشور علیه پولی سازی آموزش، حذف امتیازات اندک آموزشی و پادگان کردن دانشگاه حمایت می کنیم و خواهان برآورده شدن تمامی خواسته های آنها هستیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهیدان و از کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» زندانیان سیاسی حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به شمول مبارزه و قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند و کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«زنده باد انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳ - ۱ فوریه

متن سخنان عزیز پاک نژاد در همایش بزرگداشت

پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۹

شالوده شورای ملی مقاومت ایران از روز اول، بر شعار «نه شاه، نه شیخ» استوار بوده است. مرزبندی «نه شاه، نه شیخ» یعنی نفی تمامیت خواهی نظام‌هایی که بر شکنجه و کشتار و غارت و وطن‌فروشی و محروم سازی مردم استوارند. و در مقابل دو دیکتاتوری شاه و شیخ، شورای ملی مقاومت بر اصل آزادی‌ها و حاکمیت مردم استوار شده.

در خاتمه عرض کنم که به نظر من سرنگونی رژیم با ابزار یا اهرمهای موجود در دسترس، مثل همین قیامهای آتشین مردم و هدایت اونها توسط نیروهای انقلابی بدون دخالت خارجی بهترین راه برای رسیدن به یک جامعه آزاد و آباد در ایران، با تشکر از شما که به صحبت‌های من توجه نشون دادید.

متن سخنان زینت میرهاشمی در همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

نگاه اول: همراه و در کنار نیروهای انقلابی و حمایت و یاری برای به ثمر رساندن جنبش انقلابی، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی با همه نهادهای حکومتی.

نگاه دوم: متوسل شدن به راه حلهایی مانند کودتا، دخالت نظامی نیروهای امپریالیستی، ساخت و پخت با بخشهایی از حکومت، تکیه بر نهادهای سرکوبگر مانند سپاه تروریستی پاسداران و ارتش و بسیج که همگی در حفظ این رژیم نقش دارند. خروجی این نگاه، ایجاد مانع برای رشد انقلاب و نیروهای انقلابی و شعارهای هدفمند آن. طیفهای سلطنت طلبان و جریاناتی که رویایشان بازگشت به گذشته و نیش قبر از دیکتاتورهای سابق است دقیقاً همین نقش را در مهار جنبش به زیان مردم پیش می برند، و در همین چارچوب می گنجند. این نگاه رویای رهایی از دیکتاتوری و رسیدن به آزادی را به کنار رفتن چند راس از ملاحهای عمامه دار محدود می کنند. اما تردیدی نیست که جامعه به عقب بر نمی گیرد و همانگونه که «بازگشت به عصر طلایی امام» توهمی بیش نیست، بازگشت به دوران سلطنت شاه هم توهمی بیش نخواهد بود.

نگاه سوم: سازشکاران، فرصت طلبان، توایان انقلاب ضد سلطنتی سال ۵۷، دل به تغییر و تحول از درون نظام ولایت فقیه بسته اند و تلاش می کنند دره ی عمیق از خون و جنایت بین رژیم با مردم را با اغتشاش خواندن عمل انقلابی مردمی در خیابان را به سود تقویت خشونت دولتی پر کنند. این نگاه فریبکارانه سرکردگان شریک در قافله جنایتهای حکومتی در ۴۵ ساله را با تقسیم خوب و بد و امید کذایی ایجاد کنند برای تغییر رژیم از درون. این عمل دقیقاً در برابر بازتولید شجاعت و جسارت برای سرنگونی رژیم است.

نگاه چهارم: راه حل رژیم است. مردم را دشمن می داند و با خشونت تمام این راه حل را پیش می برد و البته با شیوه های نرم افزاری آشکار و پنهان راه حل دوم و سوم را تقویت می کند.

ما با تجربه بروز توفان خشم توده های مردم، از هزاران جنبش، شورش و قیام، حرکتیهای اعتراضی در کف خیابان و سر به دار شدن آگاه ترین جوانان در کهکشان پرستاره و زیبای ایران، شرایط ایران را شرایطی انقلابی و مهیا برای به ثمر رساندن یک انقلاب دموکراتیک ارزیابی می کنیم.

البته باید تاکید کرد که تاریخ را مردم می سازند. انقلاب را مردم به ثمر می رسانند. رویدادهایی که شرایط بحرانی ایران امروز را رقم می زند که به آن شرایط انقلابی یا بحران انقلابی می گوئیم مانند ساختمانی با بلوکهای از پیش ساخته شده نیست. این جنبشهای اجتماعی برون آمده از زیر پوست جامعه، این شرایط را به وجود آورده اند. پس تاکید می کنیم که جامعه برای تغییر بنیادین از جنس سرنگونی به پا خواسته است.

پس در این شرایط که سرنگونی در نزدیک ترین موقعیت است. دو قطب اصلی در این راه وجود دارد. وسط معنا ندارد. قطب جنبش تغییر بنیادین و سرنگونی رژیم و قطب دیگر حاکمیت با همه دسته بندیها و باندها و کسانی که در حفظ این رژیم منافع دارند. بله هر ایرانی می تواند در یک جبهه ثبت نام کند و بسته به این که خود را در کدام صف ببیند، چشم انداز خود را تصور کند.

رویدادهایی که طی یک سال اخیر اتفاق افتاده که به وضعیت رژیم و فرصتهایی که در برابر جنبش انقلابی برای سرنگونی بر می گردد مهمترین آن اشاره می کنم

سلسله رویدادهایی از جمله سرنگونی حکومت اسد، بیرون رانده شدن خفت بار مزدوران سپاه قدس و حزب الله و کارگران رژیم از سوریه. ضربه های کاری به نیرویهای نیابتی رژیم در منطقه

پایان دیکتاتوری ۵۴ ساله خاندان اسد، فرار بشار اسد، ضربه به «محور مقاومت» رژیم ایران و نقش برآب شدن آرزوهای بلندپروازانه خامنه ای بود. تا جایی که به مردم ایران برمی گردد، این رویداد ضربه ای کلان به رژیم ایران و تقویت امید و اراده مردم برای سرنگونی ولایت فقیه است. از این منظر این رویداد برای مردم ایران اهمیت مهمی داشت.

بقیه در صفحه ۶



درود به همه شما و با درودهای فراوان به خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی به ویژه زنان زندانی سیاسی، همه ی آنهایی که زندگی را با مقاومت در برابر استبداد پیوند زده اند، آفرینندگان و ادامه دهندگان کارزار سه شنبه های نه به اعدام، زندانیان مقاومتی که زندان را به کانون ستیز با استبداد و در حمایت و پیوند با جنبشهای مردمی تبدیل کرده اند.

امروز در این گردهمایی هستیم تا یاد مبارزان ماندگار و سترگی را گرامی بداریم که در دوره خفقان سلطنت پهلوی مانند آذرخش درخشیدند. انسانهای والایی با اندیشه های کمونیستی، از تحلیل شرایط روز و با عبور از خط قرمزهای رایج در میان کمپ چپ آن دوران، طرحی نو درآفکندند. **رستاخیز سیاهکل** صحنه سیاسی جامعه ایران را به کلی دگرگون کرد و نام و نشان خود را بر تاریخ ایران زمین به عنوان یک نقطه عطف به ثبت رساند. **تولد جنبش فدایی** و چپ مستقل در ایران، تولد جنبش نوین کمونیستی ایران در برابر قدرت مطلق حکومت، کشف حلقه مفقوده برای محک زدن تئوری در عمل بود. هدف رزمندگان سیاهکل آزادی، استقلال، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم بود و برای تحقق این آرمانهای انسانی از همه چیز خود گذشتند و جانهای شیفته خود را فدا کردند.

در مورد تأثیرات رستاخیز سیاهکل و زنده نگاه داشتن ارزشهای آن، بستگی به این که هر کس در کدام سمت تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری از دوران انقلاب مشروطه تا حال، ایستاده و چه نقشی در سپهر سیاسی ایران و در جدال قدرت حاکم و مردم داشته، شرایط مشخص و ضرورت را چه دیده است، این رویداد ارزیابی می شود.

ما با ایمان به اهداف رفقایمان یعنی آزادی، استقلال، دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم، انقلاب پیروزمند ضد سلطنتی سال ۱۳۵۷، کسب قدرت توسط بنیادگرایی اسلامی، رویدادهای طی ۴۵ سال جمهوری اسلامی، صف بندی نیروهای سیاسی در این ۴۵ سال، تعیین مرزهای همکاری با نیروهای انقلابی، پیوستگی با جنبشهای جاری از نیروهای کار، زنان، محیط زیست و.. شکل تبلیغات و چشم انداز رسیدن به این اهداف، همه ی آن چیزی که هویت ما را بیان می کند بر مبنای همین اهدافی است که در بالا گفته شد.

حضور فعال در دیرپاترین ائتلاف، یعنی شورای ملی مقاومت ایران، همکاری با سازمان مجاهدین خلق و فعالیت برای برقراری جمهوری دموکراتیک بر مبنای آزادی، دموکراسی، جدایی دین از دولت در ادامه همین هدف است که به طور مستمر در نبرد خلق، بیانیه شورای عالی سازمان و امکانات رسانه ای روزانه مان به آن پرداخته ایم.

پس با توجه به موضوع صحبتمان «پیکار برای انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم» من سعی می کنم در این چارچوب صحبت کنم و بعد در بخش گفتگو به تبادل نظر بپردازیم. به چهار نوع سیاست در برابر هموردی جنبشهای انقلابی و قیام آفرینان با رژیم اشاره می کنم.

ویژگی این شرایط: بحران انقلابی در جامعه، بحران سرنگونی در بالا و بروز خیزشها و قیامهای پی در پی در سبزه های حکومت از یک سو و از سوی دیگر سرکوب بی رحمانه از اعدام، شکنجه و تحمیل فقر به مردم، مجبور کردن مردم برای حفظ شرایط موجود و جنگیدن برای نان تا دورنگاه داشتن از سرنگونی به هر قیمت. این خلاصه ای از شرایط است.

متن سخنان زینت میرهاشمی در همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۶



«دشمنان فکر می کنند با تحریم از گرسنگی خواهیم مرد اما اینطور نیست؛ ما قادریم با قدرت به قله برسیم و در همه حوزه‌ها در منطقه اول باشیم بنابراین همه باید خون دل بخوریم. باید زحمت کشید.»

شیوه پزشکیان علاوه بر «ناله درمانی»، رونمایی از بحران و فلاکت معیشت مردم، اما انداختن تقصیر بر دوش مردم است. راه حل او، تقویت فساد حکومتی، چپاولگری و از خودگذشتگی مردم در قبال این حکومت است. مردم «خون دل بخورند» اما امپراطوری خامنه ای، باندهای مافیایی فاسد و در کل قبیله ولایت فقیه به چپاول ادامه دهند. چنین مباد!

هرگونه مذاکره ای با رژیم مالاها از طرف دولتها و نهادهای بین المللی که در کانون آن موضوع منافع مردم ایران (قطع بازوهای تروریستی مداخله گری در منطقه) و ملزم کردن رژیم به رعایت حقوق بشر در چارچوب اعلامیه جهانی حقوق بشر نباشد، بی فایده و علیه منافع ملی مردم ایران است.

بستر جامعه و حرکت‌های اعتراضی نشان می دهد که پزشکیان راه حل بحران نیست. و هر مهره ای حتی یک صندلی هم جای او را بگیرد قادر به مقابله با حکومت فاسد و مافیاهای آن نیست.

با مذاکره چه بی مذاکره، چه با نرمش زبونانه و هر جنس دیگر، آنچه که رویدادها را رقم می زند از به پیمان رسیدن حکومت حکایت می کند.

پیرامون ستیز رژیم ولایت فقیه با منافع مردم و کشور به ابر بحرانهایی چون بیکاری، اختلاف کلان طبقاتی، فاجعه آب، آلودگی هوا، فرونشست زمین، حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی، ملی، مذهبی، غارتگری حکام، بازداشت، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و مخالفان و... می توان ورود کرد و با استناد به اخباری که در رسانه های حکومتی و منابع مستقل منتشر شده نشان داد که رژیم حاکم در ستیز با منافع ملی مردم و کشور ایران است و افراد و جریانهایی که این مرز ستیز را مخدوش می کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه در جبهه استبداد علیه مردم ایستاده اند. ما در جهت بالندگی این ستیز حرکت می کنیم.

و در پایان

استبداد دینی ولایت فقیه با رهبری خمینی میوه دیکتاتوری سلطنتی و بند و بست قدرتهای استعماری با خمینی است. همه کسانی که این میوه فاسد را به حساب نیروهای چپ و انقلابی و به ویژه به حساب فدایی ها و مجاهدین می گذارند، اگر مغرض و یا کارگزار نهادهای امنیتی رژیم و یا سروسپه‌های بیگانه نباشند، در خوشبینانه ترین ارزیابی افراد ناآگاهانی هستند که تاریخ را به میل خود تفسیر و تحلیل می کنند.

آنهایی که با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «مرگ بر خامنه ای» و «زنده باد آزادی»، اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفته اند، آنها که برخلاف سازشکاران و فرصت طلبان دل به تغییر و تحول از درون نظام ولایت فقیه نبسته اند، آنهایی که تن به حقارت ندادند و بر طناب دار بوسه زدند، درس حماسه و رستاخیز سیاهکل را به روز کردند،

زیرا سرنگونی هر دیکتاتوری، شکستن حلقه ای از زنجیر بردگی و رهایی از اسارت و گامی به سوی تغییر، همراه با ایجاد فرصتهای جدید برای ساختن ویرانه های استبداد است. ، در مورد سوریه سازمان اطلاعیه داد. آینده مردم سوریه به عوامل مختلفی بستگی دارد که در صدر آنها به جریان افتادن پروسه های دموکراتیک و سکولار (نظام غیر دینی) در ساختارهای سیاسی، قضایی، انتخابی و در تنظیم مناسبات بین گروههای اجتماعی و ملی در سوریه قرار دارد.

در مورد مردم محروم فلسطین... ما مرتب می گوئیم که نتانیاهو و خامنه ای دو روی یک سکه هستند. مردم فلسطین متاسفانه قربانی سیاستهای تروریستی رژیم هستند. رژیم هم با فقیر کردن مردم ایران به سود تروریسم عمل کرده است. خامنه ای با خون کودکان فلسطینی و مردم محروم و ستمدیده فلسطین، خودش را تئذیه می کند. همه ی عملهای او طی این ۴ دهه به سود راست ترین جریان اسرائیلی و به ویژه نتانیاهو بود است از این منظر هر دو مثل هم هستند و شریک جنایات در حق مردم فلسطین هستند. نقش رژیم با ایجاد نیروهای محور تروریستی در منطقه برای امنیت نظام در برابر بحران سرنگونی در داخل ایران است.

در مورد داخل ...

خامنه ای بعد از شکست یکدست سازی حکومت، به پزشکیان، بی خاصیت ترین فرد کاندیدایی رانده شدگان از ریل حکومت، ذوب شده در ولایت و فرد معتمد خود، مجبور شد تن بدهد. پزشکیان مناسب ترین فرد برای تحمیل شدن به خامنه ای بود. اما بهار تبلیغات درمانی پزشکیان و دلبستگی به تغییر از درون رژیم زودتر از تصور زمستان شد. کابینه وفاق امنیتی نظامیها نه تنها مشکل را حل نکرد بلکه شکاف درون حکومت را تشدید کرده تا جایی که این جنگ درون حکومتی به رسانه های آنها و خیابان کشیده شده است. دلار اندک اندک به مرز ۱۰۰ هزار تومان رسید. معیشت و روزگار مردم به جایی رسیده که بروز آتشفشان گرسنگان در چشم اندازی نزدیک از طرف اکثر کارشناسان حکومتی مطرح می شود. بیش از دو سوم جمعیت زیر خط فقر هستند و شرایط فلاکتباری که هستن همه آگاهید.

با نگاهی به آنچه که در کف خیابان می گذرد، تغییر حکومت ضرورتی اجتناب پذیر شده یعنی به خواست همگانی تبدیل شده است. رژیم نه توانایی حل بحران اقتصادی مانند سیاه چاله شده است را دارد و نه قادر به حل آن است. از مجموعه خیزشهای انقلابی، حرکت‌های اعتراضی و شعارهای معترضان و ... می توان فهمید که راهکار رهایی از بحران در سرنگونی حکومت با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و افکندن طرحی نو است.

در مورد عادی سازی روابط رژیم با جامعه بین الملل، برداشتن تحریمها که در برآمدن پزشکیان وعده داده شد

در رابطه با این موضوع حکومت دو قطبی شده است. عده ای طرفدار مذاکره و عده ای مخالف. با تاکید بر این که خامنه ای تعیین کننده سیاست بوده و خواهد بود به مواضع اخیر او نگاهی بیاندازیم.

موضع گیریهای متناقض خامنه ای، از ساده سازی مذاکرات، باز کردن گوش و چشم مذاکره کنندگان و سر دادن شعار «مرگ بر آمریکا» در نشست مذاحان تا «نه هوشمندانه، نه عاقلانه و نه شرافتمندانه» دانستن مذاکره، گمانه های متفاوت و برداشتهای گوناگون ایجاد کرده است. زوایای پنهان و نامتعارف بودن حرفهای ولی فقیه با تحركات پايوران تیم پزشکیان، روشن نیست. هنوز آن چه که در پشت پرده و ملاقاتهای یواشکی و پیامهای پنهانی اتفاق افتاده، معلوم نیست؟ اما روشن است که سیاست یواشکی و پنهان کاری رژیم ایران روی ترامپ کارساز نیست.

دوگانگی و تکرار همیشگی مذاکره برای مذاکره و تبدیل تهدیدها به فرصت است، سیاست رژیم در این مورد است. هدف رژیم خرید فرصت و بازی در شکاف کشورهای غربی با همدیگر است. فرصتی برای سرکوب و حفظ نظام

در برابر ماله کشان نظام که می خواستند پزشکیان را به جبهه عظیم تحریم کنندگان شعبده انتخابات تحمیل کنند این ملیجک خامنه ای بعد از حرفهای خامنه ای در رد مذاکره گفت

متن سخنان عزیز پاک نژاد در همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

تصمیم در سیاهکل جنبش مسلحانه پیشتازی خودشو آغاز کرد و رژیم شاه مجبور شد اونهم بصورت شتابزده وارد عمل بشه و به این ترتیب حریف اصلی خودشو معرفی کنه.

همه ایران در جریان این رودرویی قرار گرفت و رستاخیز سیاهکل شکل گرفت. میشه گفت سیاهکل به بیست سال عقب نشینی جنبش مسلحانه انقلابی در مقابل سازشکاری بعضی از اجزای این جنبش در ایران پایان داد.

سیاهکل در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی میهنمان شروع تحولی نو و پرشور و سراسر شجاعت و تهور در مبارزات جوانان انقلابی کشور ما بود که اگر چه با پایانی خونین روبرو شد، اما تاثیرات بسیار عمیق و ماندگاری برجای گذاشت.

جو سیاسی جامعه ایران قبل از سیاهکل، تحت تاثیر مجموعه ای از مسائل اساسی و بخصوص شدت یافتن جو اختناق و سرکوب تحت دیکتاتوری شاه، بشدت بسته و خفقان آور بود و بطور طبیعی جامعه در سکوتی بسر می برد که خواست رژیم پهلوی بود.

در شرایطی که رژیم وابسته شاه با سرکوب کوچکترین فعالیت سیاسی مثل خواندن چند کتاب توسط جوانی در جستجوی حقیقت، او را به صلیب می کشید،

در شرایطی که بعضی از جریانات چپ به وابستگی و بی عملی دچار شده بودند و در جنگ سرد بین دو اردوگاه شرق و غرب، به زائده این جنگ و دنباله روی از اردوگاه شرق روی آورده بودند، و در شرایطی که جریانات باصطلاح «ملی گرا» و سازشکار عملا در مقابل سرکوب رژیم سلطنتی، کاری از دستشان ساخته نبود، این قهرمانان با انتخاب مشی مسلحانه و عمل به آن، ای جو را شکستند و مسیر تاریخ را به سوی دیگری هدایت کردند.

جامعه فعال و مبارز ایران عمدتا از دانشجویان دانشگاهها، مشخصا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در ده سال بعد، دیدند که مبارزات مسالمت آمیز برای کسب آزادیهای اولیه سیاسی و اجتماعی و رفع ستم، با وجود سیستم سلطنتی به جایی نرسیده و نمی رسه.

به همین دلیل گروههای چریکی، پیدا شدند تا در نبردی نابرابر، اما جانانه، این جو را بهم بزنند و به سرکوب حاکم بر جامعه پایان بدنند. سیاهکل، آغازی برای اعلام تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بشکل علنی بود و تاثیر زیادی در شکستن جو سکوت در جامعه داشت و بنای مبارزه مسلحانه در عمل برای سرنگونی رژیم شاه در اینجا گذاشته شد.

پیام اصلی این جنبش چریکی به مردم هم مشخص بود، اول اینکه نشون بده که واقعیت جامعه اون چیزی نیست که نظام سلطنت وانمود میکنه و اینکه مبارزه ادامه داره و این سکوت که با کشتن و بستن برقرار شده، سرخوردگی و ناامیدی را بدنبال نداشته و اینکه مبارزه با رژیم شاه بیشتر از گذشته و بشکل رادیکال و نوبنی ادامه داره.

و یک پیام مهم به سیستم حاکم هم بود که وقتی راههای مبارزه مسالمت آمیز با زور سرنیزه بسته میشه، مبارزه مسلحانه پاسخ یک نسل به سرکوب و استبداده که تا سرنگونی سلطنت ادامه خواهد داشت.

آن چیزی که در سیاهکل روی داد بطور خلاصه، از این قرار بود که : از ۱۵ شهریور سال ۱۳۴۹ چند ماه قبل از عملیات سیاهکل، حرکت چریکها از اطراف شهر چالوس برای شناسایی یک منطقه برای آغاز مبارزه مسلحانه شروع شد، و سرانجام منطقه جنگلهای گیلان را مناسب دونستند و انتخاب کردند.

به دلایل مختلف مثل سابقه مبارزاتی مردم اونجا و همینطور وجود کوهستانهای صخره ای برای جلوگیری از بکار گیری اسلحه سنگین توسط ارتش در مقابله احتمالی با چریکها، و همینطور پوشش جنگلی منطقه برای ممانعت از شناسایی هوایی توسط هلیکوپتر انتخاب شد و تیمهای روستایی برای تدارک فرستاده شدند.

در جریان همین تدارکات هادی بنده خدا لنگرودی توسط ژاندارمری سیاهکل دستگیر شد و خطر لو رفتن اطلاعات حیاتی در زیر شکنجه میرفت که باعث شد در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ چریکها برای آزادی او به این پاسگاه حمله کنند. اما او قبلا همراه با رئیس پاسگاه به رشت منتقل شده بود.

در این حمله کلیه تسلیحات پاسگاه مصادره شد و شاه با اطلاع از این عمل یک قوای نظامی سنگین مرکب از تکاوران و هلیکوپتر و افراد شهربانی را با فرماندهی برادرش غلامرضا به اونجا اعزام کرد.

بقیه در صفحه ۸



با سلام و درود خدمت شما رفقا و دوستان، خواهران و برادران و عزیزانی که در اینجا حضور دارید، قبل از هرچیز تشکر می کنم از رفقای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بخاطر دعوت از من به سخنرانی و شرکت در این مراسم بزرگداشت.

با قسمتی از سوگنامه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک) در رسای قهرمانان سیاهکل حرفهایم را شروع می کنم:

آن فرو ریخته گل های پریشان در باد
کز می جام شهادت همه مدهوشان اند،
نام شان زمزمه نیمه شب مستان باد!
تا نگویند که از یاد فراموشان اند.

این هم قسمتی از اولین شعر انقلابی هست که بلافاصله پس از رستاخیز سیاهکل به یاد آن پانزده رزمنده شهید سروده شده و متأسفانه سراینده آن شناخته نشده است.

آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه
برود شرم کند!

مویه کن بحر خزر

گریه کن دشت کویر

پیرهن چاک بده جنگل سرخ گیلان

قلب خود را بدر ای قله سرسخت البرز

پانزده مرد دلیر

پانزده جان برکف دست درآورده رزم عظیم

خون شان رنگ خروش خون شان جلوه دل های امید

برای شروع، صحبتیم را با این چند بیت شعر در رسای قهرمانان سیاهکل شروع کردم و در ادامه چند جمله ای در مورد شرایط داخلی و خارجی بوجود اومدن تفکر فدایی در ایران که زمینه مناسبی بود برای بود و باش سازمانهای چریکی و مبارزه مسلحانه، و بعد برمی گردم به شرایط امروز.

تصمیم برای انجام عملیات جنگل توسط انقلابیون فدایی از اونجا شکل گرفت که بنا به تحلیل آنها، جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش مردم ایران بعد از شکستهای مکرر که از تسلیم طلبی رهبران اپورتونیست این جنبشها ناشی می شد، باید در فرم و محتوا به صورت جهشی چهره ای انقلابی و رادیکال از خود نشون می داد تا صحنه را و توجهات را به اهداف جدید خودش جلب کنه.

بنا به گفته رفیق بیژن جزنی طی سالها مبارزه مخفی و چندین عملیات مسلحانه موفقیت آمیز، رژیم شاه از برخورد علنی با اون اجتناب و در سکوت خبری آنرا مخفی می کرد، بنابراین اهداف مشی مسلحانه برآورده نمی شد و مردم از اون باخبر نمی شدند. اما با عملی کردن این

متن سخنان عزیز پاک نژاد در همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۷

فدائیان خلق مهدی اسحاقی و محمدرحیم سماعی، در اول اسفند در درگیریها که از ۱۹ بهمن تا ۸ اسفند همان سال ادامه داشت، بروایتی با کشیدن نارنجک شهید شدند. در عملیات سیاهکل طبق گفته فرمانده حمید اشرف ۲۲ چریک از دو گروه جنگل و شهر شرکت داشتند، و طی نبردهای حماسی در شرایط نابرابر جنگیدند.

مجموعاً ۱۷ نفر از ۲۲ نفر دستگیر شدند. ۱۳ نفر در ۲۶ اسفند ۴۹ اعدام شدند و بقیه زندانی شدن. ۵ نفر از جمله حمید اشرف توانستند از منطقه خارج بشوند. این عملیات به نوعی پایان مبارزه چریکی در جنگل و روستا بود و از اون بعد حمید اشرف و فدائیان دیگر مبارزه مسلحانه شهری را با کشتن سپهبد ضیا الدین فرسیو رئیس دادرسی ارتش که حکم اعدام چریکهای اسیر را داده بود، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۰ ادامه دادند.

سیاهکل سنتی را برای گذاشت که الهام دهنده است. یک گروه کوچک با عزم و اراده ای وصف ناپذیر، مرکب از نخبگان جامعه دانشجویی و روشنفکری و تحصیل کرده های برجسته، با افتخار در صدد پیدا کردن راه رهایی مردمشون، به مبارزه مسلحانه قیام کردند و اکثر جان خودشو را هم در این راه گذاشتند.

آنها مستقل بودند از هر دولتی و قدرتی. اونها وابستگی را به هیچ قطبی را قبول نداشتند و از کسی فرمان نمی بردند. به خودشون و مردمشون اتکاء داشتند و با این اراده، به نیرویی تاثیر گذار تبدیل شدند. اسطوره هایی هستند که نامشون انگیزه مبارزاتی در جوانان امروز را بوجود میاره. درسهایی پشت این فداکارها برای نسل های بعد به جا مانده که در عرصه نبرد برعلیه دیکتاتوری بکار گرفته میشوند.

بقای عمر به قیمت معمول و عام را برای خودشون ننگ می دونستند. قصد بازایستادن از نبرد برای رسیدن به عدالت و آزادی و سوسیالیسم را هرگز در وجودشون راه ندادند. وارد عرصه ای شدند که کمترین هزینه اون فدای جان بود و دیدیم که به عهد خودشون وفا کردند.

اینها مختصات این حرکت دلآورانه است که سیاهکل را به یک الگو تبدیل کرده است. علیرغم تمامی تلاشهای قلمی و نوشته های زهرآگین برای نفی این حماسه از طرف وادادگان و سازشکاران که در این سالها انجام شده و ادامه داره، مفهوم و فلسفه سیاهکل راه خود را باز کرده و به سرمشقی پر رنگ برای جوانان خواهان آزادی و برابری و دموکراسی و سوسیالیسم تبدیل شده است.

سیاهکل و بخصوص جنبش مسلحانه را نمی توان از یاد برد و تاثیرش در تاریخ مبارزات مردم ایران را نادیده انگاشت. همانطور که قهرمانانی که این حماسه و رستاخیز را رقم زدند برای همیشه در قلبها و یادها زنده و جاوید هستند.

شرایط جهانی پیش از شروع جنبش مسلحانه رستاخیز سیاهکل در زمانی به وقوع پیوست که در نقاط مختلف دنیا، اینجا و اونجا در این کشور یا اون کشور، تنش سیاسی و انقلابیها با درخشش مبارزه مسلحانه جریان داشت. جوانان انقلابی چپ و سوسیالیست و دمکرات و مترقی مجموعاً، در همه جا در تلاش برای به زیر کشیدن نظامهای سرمایه داری و برای برقراری سوسیالیسم بودند.

در ویتنام و در بعضی کشورهای افریقایی علیه اشغالگری و استعمار، در کشورهای آسیای جنوب شرقی مبارزات مسلحانه اوج زیادی پیدا کرده بود. در آمریکای لاتین تحت تاثیر انقلاب کوبا همین جنبشهای چریکی در شهر و روستا گسترش پیدا کرده بود. در ترکیه در ژاپن حرکات انقلابی با این مشی جریان داشت. در اروپا در آلمان و انگلیس و ایتالیا و اسپانیا و یونان سازمانهای مسلح چریکی عملیات می کردند.

در خاورمیانه در بعضی کشورهای عربی افسران و نظامیان جوان به قصد تغییر، رژیم های دست نشانده را با کودتاهای نظامی سرنگون و جبرا به اردوگاه شرق گرایش پیدا می کردند. عملیات مسلحانه در درون جنبش فلسطین توسط سازمانهای مارکسیست لنینیست و چپ انجام میشد. در کوبا با چه گوارا و فیدل کاسترو تغییرات رادیکال انجام شده بود که در اونها نقش نیرویهای چپ و کمونیست تعیین کننده بود.

در چنین شرایط جهانی با اوضاعی که عرض کردم، ظهور سازمان های چریکی با مشی مسلحانه برای سرنگونی دیکتاتوری شاه طبیعی به نظر میرسید و همانطور که دیدیم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بعدتر سازمان مجاهدین خلق ایران مبارزه مسلحانه را شروع کردند.

من تا اینجا به جو داخلی و جهانی در اون زمان بدون قضاوت شخصی خیلی مختصر اشاره کردم.

در اینجا به تاثیر سیاهکل در جذب جوانان به میدان مبارزه انقلابی برای نشان دادن اینکه چطور این سازمان بعد از انقلاب بهمن به بزرگترین سازمان چپ کمونیستی و انقلابی تبدیل شد و توانست از همه اقشار و طبقات کارگران و زحمتکشان و روشنفکران و شاعران و نویسندگان و اهل هنر و خلاصه از اقشار صنفی و صنعتی را بخودش جذب کنه.

البته بررسی سرنوشت این سازمان و انشعابات مختلف اون الان در برنامه من در اینجا نیست و اون یک داستان جداگانه ای داره که در اصل ماجرا هیچ خدشه ای وارد نمی کنه و سیاهکل کماکان نقطه عطف درخشانی در کهکشان مبارزات انقلابی مردم ایران باقی مانده و خواهد ماند و سرمشقی برای جوانان در مبارزه با ظلم و دیکتاتوری خواهد بود.

برای اینکار از تجربه شخصی خودم استفاده می کنم به این شکل که: یکسال قبل از رستاخیز سیاهکل، ما تعدادی محصل که اکثرآ زیر سن قانونی بودیم، گروهی تشکیل دادیم که گوشه چشمی به جنگ مسلحانه داشت. اما شروع کار ما با جلسات مطالعاتی حول مقولات چپ مارکسیستی و خواندن و بررسی کتابهای انقلابیون بزرگ مارکس و انگلس لنین و ماو و تجربیات گروههای مارکسیستی و انقلابات سوسیالیستی در دنیا و هر کتابی در این زمینه ها، همراه بود. کسانی بودند که با جاسازی رد چمدان از خارج کتاب ها را به داخل می آوردند و بدستمان میرسید، بمدت یکسال کار ما همین بود.

با رستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن ۴۹ یکسال بعد، بدون چون و چرا ادامه و مسیر حرکتی آینده خودمون را پیدا کردیم و براساس آن چیزی که از حرکت چریکهای فدایی می فهمیدیم بسرعت وارد فاز تبلیغات مسلحانه شدیم.

از این قسمت صحبت میخوام نتیجه بگیرم که مشی مسلحانه و رزم چریکهای فدایی خلق در بین جوانان و گروههای مختلف انقلابی تاثیر شگرفی داشت و نقش اول را ایفا می کرد. بسیاری از گروههای کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف با داستانی و سرگذشتی مشابه ما به وجود آمدند که بدون رابطه تشکیلاتی مستقیم با سازمان چریکها، بعد از سیاهکل به این گونه فعالیتها روی آوردند.

در زمان شاه بسیاری از گروههای مشابه از شهرهای مختلف با تعداد قابل ملاحظه دستگیر شده به زندان افتاده بودند که بعد از انقلاب بدنه و کادرهای سازمان چریکها و گروهها و سازمانهای معتقد به مشی مسلحانه دیگر را تشکیل دادند. بسیاری هم به گروههای دیگر پیوستند و راه دیگری انتخاب کردند.

بعنوان نتیجه گیری میخوام عرض کنم که با تولد سازمان چریکهای فدایی خلق و مشی مسلحانه، مبارزات مردم با یک جهش انقلابی، ارتقاء پیدا کرد که بدون اون حرکت، به نظر من سالهای متمادی دیکتاتوری سلطنتی در یک جامعه بسته، عاری از آزادیهای اساسی چه فردی و چه اجتماعی را باید مردم ایران و تاریخ ایران تحمل می کرد.

اینکه امروزه عوامل و محافل رژیم سابق و بسیاری دیگه در یک قیاس مع الفارق نتیجه گیری می کنند که با آمدن خمینی و فاشیسم مذهبی حاکم، بهتر بود که دیکتاتوری سابق برجا می ماند و بکارش ادامه می داد تا ایران به این سرنوشت دچار نشه، اینها تلاشی است برای از بین بردن و نفی مبارزه برای آزادی و رهایی در کلیت اون.

همین امروز هم اگر با این استدلال بخواهیم به مسائل ایران نگاه کنیم، همین نتیجه را بعضی ها میگیرند و در قالبهای مختلف عنوان می کنند. این نوع استدلال اینه که با نظام ولایت فقیه مبارزه نکنید چون اگر این برود معلوم نیست که کی و چی جایگزین اون خواهد شد و اوضاع همانطور که در سقوط سلطنت پیش آمد بدتر خواهد شد.

این تفکر و تبلیغات محصولات دستگاههای امنیتی رژیمه و گوینده این حرفها در ابتدا اصلاح طلبان درون حکومتی و شرکای خارج کشوریشون بودند و الان هم هستند که خواهان آرامش و صبر برای سقوط خودبخودی این رژیمند. یا ماکریم از اصلاح رژیم با حفظ سیستم فاشیسم دینی در عمل دفاع می کنند. بهرحال انقلابیون راستین با اینها بیگانه اند و در هر زمان و هر مکان برعلیه تمامی نمادها و نمودههای دیکتاتوری از هر نوعش مبارزه می کنند و به قضا و قدر هم اعتقادی ندارند.

حالا با اجازه شما در وقت باقی مانده کمی در مورد تاثیر این تجربیات در مبارزه جاری مردم و انقلابیون در داخل ایران کمی وقت شما را می گیرم.

در ابتدا عرض کنم که من شخصاً اعتقاد دارم، درسته که هدف کمونیست های ایرانی معتقد به برقراری سوسیالیسم در ایران، مبارزه برای تقویت و سازماندهی طبقه کارگر طبق تعاریف معمول و سنتی چپ هست، اما در حال حاضر ایران در بطن یک انقلاب دمکراتیک برای آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی با یک جمهوری دمکراتیک سیر میکنه.

از دید یک کمونیست طبیعتاً تضاد اصلی مثل همیشه در چهارچوبهای فکری در ایران هم همچنان تضاد بین کار و سرمایه هست که واقعیت داره. اما به نظر بعضی از کمونیستها، باید

بقیه در صفحه ۹

متن سخنان عزیز پاک نژاد در همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۸

اول از همه و حتی جدا از مبارزه و خواست های جاری توده ها این تضاد حل بشه. اما به نظر من مقدم بر اون و شاید برای حل اون تضاد در ابعاد کلی، اول باید تضاد بین مردم و دیکتاتوری ولایت فقیه بعنوان تضاد فوری که مانع هر نوع تحول دمکراتیک میشه و بعنوان دشمن آزادی، در دستور قرار بگیره و با سرنگونی اون و برقراری یک حکومت دمکراتیک، برای حل تضاد اصلی زمینه مناسب فراهم بشه.

برای اینکار تمامی مختصات یک نظام دمکراتیک در یک انقلاب دمکراتیک باید برآورده بشه که در مرحله اول بعد از سرنگونی خودشو در تشکیل مجلس موسسان قانونگذاری ملی نشون میده.

این از نظر من در این مورد، حالا اگر رفقای برگزار کننده صلاح دیدند، در بخش گفتگو میشه به این بحث غنای بیشتری داد.

حالا برگردم به اینکه ایران ما الان در چه وضعیتی قرار داره؟ و چه باید کرد؟

من فکر می کنم کشورما با توجه به تحولات تازه ای که بخصوص در منطقه خاورمیانه صورت گرفته باز هم یکبار دیگه در محور این تحولات قرار گرفته و طبیعتا بر عهده جوانان انقلابی است که از این شرایط به نفع مردم با در پیش گرفتن راههای موثر و البته انقلابی با طرد انحرافات مختلفی که در جریان مبارزه باهاش برخورد می کنند، از فرصت استفاده کرده و سرنگونی این نظام ددمنش را محقق کنند.

کل این تجارب و نشانه ها و تأکيدات که خدمتتون گفتم از نظر من، نشون میده که وقتی راه درست و موثر برای شکستن دیوار سرکوب و اختناق خودشو نشون میده، سیل جوانان و انقلابیون را بطرف خودش می کشه و می تونه به انقلاب و تغییر سالم در جهت اهداف عالی و انسانی شناخته شده، ختم بشه، کاری که در بهمن ۵۷ همه شاهدش بودیم و نظام سلطنت و دیکتاتوری فردی شاه سرنگون شد.

تسلط خمینی بر رهبری انقلاب با تشکیلات سنتی حوزه و روحانیت در توافقات ننگین با استعمار و امپریالیستهای اون زمان، هیچ تغییری در اصل موضوع نمیده و تلاشهای انقلابیون اون زمان را برای رهایی مردم از ظلم و جور و دیکتاتوری نمی تونه مخدوش کنه. که البته بحثی پرچالش و طولانیه که در اینجا امکان اون نیست، اما مهم آمادگی و تدارک برای جلوگیری از تکرار چنین توطئه ها و زد و بندهای مختلفی هست که وظیفه اصلی انقلابیون و آزادیخواهانه.

رژیم الان واقعا وضعیت وخیمی داره. اهرمهای قدرت در منطقه که با اتکاء به اونها مردم ایران را سرکوب می کرد میشه گفت از دست داده. اوضاع داخلی آشکارا و به وضوح بهم خورده و ترس و وحشت هم از توطئه های خارجی در ذهنش توفانی ایجاد کرده و با همه اینها سرنگونی را در یک قدمی خودش می بینه.

خامنه ای و عوامل دست اندرکار نظامی و سیاسی میخوان این موضوع را مخفی کنند و مرتب در تلویزیون و رسانه ها رجز میخونند اما نیروی سرکوبگرش مرتب ریزش داره.

باور مزدورانش به توانایی خامنه ای برای برون رفت از این بحرانها و خطرات بشدت کاهش پیدا کرده. بار سنگین شکست در سوریه و خنثی شدن حزب اله و عدم امکان برگرداندن اوضاع به عقب، بازهم علیرغم گفته های خامنه ای در این مورد، روحیه ای برای اونها باقی نگذاشته. از نظر اجتماعی خطر قیام مجدد مردم در هر لحظه تهدیدش می کنه و این خیلی به وحشتش اضافه کرده.

برای درک اینکه در چنین اوضاع وخامت باری، چه اهرمی یا چه ابزاری برای سرنگونی اون لازم هستند، در درجه اول به نیروی مردمی احتیاج هست که در نزاعی سخت با نیروی سرکوب بتونه سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و امنیتی را در هم بشکنه.

بعضی ها این اعتبار را در دخالت خارجی و سیاست فشار حداکثری آمریکا که به تازگی اعلام شده، می بینند و با نزدیک شدن خطر خارجی بداخل مرزهای ایران که با ضربه های اسرائیل در داخل اونو متصور می بینند، همه امیدشون را به این بستند که تغییر سیاست غرب و بخصوص آمریکا، باعث تحقق سرنگونی میشه.

این واقعیت که در مواردی دخالت مستقیم خارجی منجر به سرنگونی نظام حاکم بر یک کشور شده در نظر هست، اما در مورد ایران چنین کاری ایذا به نفع مردم و دمکراسی و آزادی یا برقراری یک حکومت دمکراتیک غیر وابسته نیست. نمونه ای نداریم که در یک چنین حالتی مردم به آرزوهای خودشون رسیده باشند. به نظر من این اهرم در حال حاضر کارایی نداره و هیچ اراده ای هم در هیچ دولتی در این مورد وجود نداره و پذیرفته هم نیست.

ما الان داریم می بینیم که کل جریانات سازشکار مثل اصلاح طلبان قلابی و باندهای مختلف شریک در حفظ این نظام، بعد از قیام توده ای دی ماه ۹۶ و در جریان قیام ۹۸ بعنوان یک

الگوی انقلابی و قیام انقلابی ۱۴۰۱، بکلی ورشکست شدند و در میان مردم وزن و اعتبار کاذب سابق را ندارند. تلاشهای امروزشون برای بازسازی ترفندهای کهنه و یا حمایت بعضی از این باندها از پزشکیان، بطور کلی خدمت به خامنه ای و کل نظام ولایت فقیه هست و بجایی نخواهد رسید.

عامل اصلی در به تنگنا انداخته شدن رژیم، نه عامل خارجی است و نه شرایط منطقه و جنگ افروزیهای رژیم، اینها فرع قضیه هست و البته بحران رژیم را افزایش میده اما اصل خطر برای این نظام قرون وسطایی، مردم بیشمار و قیامهای اونها و البته حضور و وجود پیشتانان اونها از جمله کانونهای شورشی و هسته های مبارزاتی و کمیته های انقلابی هستند که الان در سطح شهرها و خیابانها عملیات می کنند و همزمان در بین کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و مراکز مختلف صنعتی و صنفی و آموزشی و دانشگاهی و در مبارزات روزانه زنان کشور فعال هستند و برای انقلاب و دمکراسی تلاش می کنند. مبارزات زندانیان سیاسی و خانواده های آنها و حرکات مشابه به این مهم کمک می کنند.

در مورد کانونهای شورشی یک توضیح کوتاه را لازم میدونم عرض کنم خدمت شما:

کانون شورشی چه گوارا، بر تشکیل گروههای کوچک شورشی در جنگل و مناطق روستایی تکیه داشت اما استراتژی کانون شورشی مجاهدین خلق ناظر بر تشکیل تیمهای شورشی در داخل شهرهاست. کانونهای شورشی نام استراتژی کنونی سازمان مجاهدین خلق برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران است.

اینرا هم اضافه کنم که کار کانونهای شورشی با جنگ چریک شهری متفاوته. چریکها برای شکستن دیوار اختناق و آگاهی رساندن به مردم کار می کردند و احتیاج به عملیات مسلحانه شهری داشتند.

اما کانونهای شورشی در حال حاضر با وجود قیامهای مردمی، احتیاج به آگاه کردن مردم که الان تامین شده هست، ندارند و وظیفه اونها روشن نگه داشتن شعله قیامها و ادامه یابی این قیامها و بطور خاص، رساندن این پیام به مردم هست که نیرویی آماده و از خودگذشته درصحنه وجود داره که راه درست را نشون میده و خنثی کننده توطئه های عوامل ارتجاع و صاحبان زر و زور و سرمایه است و حامی راستین اونهاست.

به نظر من در این زمان و مقطع از مبارزات مردم مهمترین مساله حفظ شعله قیامها با انجام عملیات متهورانه و پیوسته با مردم و قیامهای اونهاست که این کانونها شبانه روز در حال انجام اون هستند.

این نکته را من اشاره کردم تا تاکید کنم بعنوان کسانی که تجربه ای در این مبارزه در عرض سالیان طولانی کسب کردیم، کسانی که از سیاهکل الهام می گیرند، بخاطر شکست های مقطعی و عدم موفقیت در دفع نظام آخوندها، به سازش و فراموش کردن اصول و توسل به مد روز در عرصه مبارزه روی نکرده و روی اصول انسانی و برای سعادت مردم ایران استوار و پایدار تا آخر ادامه میدیم.

حالا ممکنه این سؤال مطرح بشه که با این حرفها ابزار اصلی تغییر که می تونه سرنگونی را محقق کنه و آینده دمکراتیک را تضمین کنه در عمل چی هستند؟

ابزار سرنگونی در حال حاضر که بیشترین پتانسیل را ایجاد می کنند به نظر من عبارتند از قیامهای مردم در خیابانها، حضور پر رنگ کانونها و هسته ها و کمیته های شورشی در پیوند مستقیم با مردم و وجود یک آلترناتیو دمکراتیک با یک دیپلماسی قدرتمند و مدرن در سطح بین المللی برای پیشبرد اهداف مقاومت و مخالفان حکومت، هست که در دسترسه.

در مورد اهمیت دیپلماسی مدرن بین المللی در چهارچوب یک آلترناتیو دمکراتیک صحبت زیاده. از ما هم خیلی می پرسند. بنابراین ضرورت مطرح کردن اون در اینجا از نظر من در اینه که بین یک دیپلماسی فعال از پائین در محافل بین المللی با آویزان شدن به قدرت های خارجی باید تفاوت قائل شد.

تمامی اقدامات سیاسی و تبلیغاتی و ملاقاتهای دیپلماتیک، شورای ملی مقاومت ایران به منظور جلب حمایتهای بین المللی و آگاهی دادن به اونها و مطرح کردن خواسته ها و مطالبات سیاسی مردم هست، که کاری درست و بجاست و بی تحرکی در این مورد اشتباه بزرگی است که یک گروه یا دسته یا سازمان سیاسی صورت میده.

اگه قبول داشته باشیم که جهان امروز خارج از زورگویی نظامهای دیکتاتوری یا صاحبان سرمایه و زر و زور که با استثمار کارگران و زحمتکشان، جهان را ناامن می کنند، و به قواعد بین المللی در زمینه های مختلف توجه ندارند، اما جهان امروز جهانی است که عمدتا بر پایه تعاملات دیپلماتیک و ارتباطات بین المللی شکل گرفته.

بنابراین گروههای سیاسی این فضا و امکان را دارند که در ارگانهای مختلف بین المللی، برای دفاع از حقوق مردم و جلب حمایتهای جهانی در این فرایندها مشارکت کنند و به این امکانات پشت نکنند و با تلاش زیاد از حداقل امتیازات و امکانات بهره برداری کنند. برای اینکار دیپلماسی فعال، باید توانمندی و استعداد مدیریت روابط بین الملل را داشته باشد، تا نقشی کلیدی در پیشبرد اهداف سیاسی، برای واژگونی حکومت های استبدادی ایفا کند.

بقیه در صفحه ۴

به یاد ستارگان شبکوب

م. وحیدی (م. صبح)

«سیاهکل»، نامی جاودانه، با روحی بلند و سرفراز؛ الماسی
رخشنده و چشم نواز درغبار تاریخ؛ معنای زیستن؛ چگونه
زیستن؛ سمبل بالندگی، باروری و حیات و حرکت. حتی اگر
قرنها بگذرد، از درخشندگی آن کاسته نمی شود. رایحه
بهاری که امروز در کانونهای قهرمان شورش تجلی یافته و
نوید بخش پیروزی محتوم خلق و مقاومت ایران است.

ترانه ای در باد

درتند باد عصیان و مه
مرغان بلند آواز
خاطره سکوت را
از اندیشه خاموش لحظه ها
زدودند

باوری شکفته
در زمانه ای تهی
آنجا
که رفتار سایه ها
در جز بی پناهی
روزمرگی می بافت
و گلدسته های رنگین
در هر اذان
دلتنگی می پراکنند

من که بودم؟!

میوه ای کال

در سردی فصول و

انبوه درختان سر بیزیر

با شاخه هایی

که تصویری از فروریختن بودند

و جاده ها

با زخمی پذیرنده

از ناقوس یادها

مستانه

ادراک بهار را

با خود حمل می کردند.

کرانه

به شکل خود بود.

با موسیقی صخره وتوفان

و نگاه به جا مانده سکوت

در لابلای طلسم مه

زمزمه ها

زمزمه های آفتابی

رهتازهای بی شمار

آن سوی

لبخندهای ویران شده ای بودند

که درغبار آلودگی باغ

از شاخه های پاییزی

ارغوان می چیدند

بخوان به نام ستاره

مرجان

بخوان به نام ستاره

که از گلوله شکفت

و سوگند به آذرخش

که

خود را به شعله سپرد

که تا دمیدن خورشید را ترانه کند

قسم به جنگل سبز

که در آغوش آهوان روید

و سر به آسمان سایید

و ریشه در خون رقصید

بر مزار گل سرخ

که آرמיד بر دانه دانه های برف سپید

قسم به غرُش رود

که خروشان و خشم آلود

به جستجوی دریا بود

که راز کوه به گوش مردابها نرسد

و دست کابوس به رویای خوابها نرسد

به چشم مارالهای غرق خون سوگند

که بوران و برف را هراسی نیست

کویر تشنه باز جوانه خواهد زد

شقایق و مریم دوباره خواهد زیست

ز نعره های جنگل سرخ در دل طوفان

رسد پیام مکرر زخون کوهستان

که دیلمان می طپد از تندر مسلسلها

و جاودانه شکوه یاد سپهکل ها

جنگل

در پرواز کبوتر

ادامه می یافت

و ما

ادامه می یافتیم

تا بانگ رسای آشنا

تا برگ برگ شکفتن و

رسالت بلند طلوع

گوش کن!

ترانه ای شده ست نامشان و

باد سرکش

آن را

جاودانه می خواند.

پیامهای رسیده به همایش بزرگداشت

پنجاه و چهارمین سالگرد

رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۱۱

حادثه سیاهکل، سرآغاز جنبشی بود که شعله های آن،
دیکتاتوری را به چالش کشید. آن رزم آوران، پیام آوران شرافت
و سربلندی بودند؛ پادشان چون ستاره ای بر تارک تاریخ می
درخشید. آنان به ما آموختند که راه آزادی، هرچند سخت و
خونین، اما همواره ارزش پیمودن دارد.

سیاهکل، دیگر یک جغرافیا نیست؛ یک حماسه است. یک
ایمان است. یک سرود جاودان است که تا همیشه در جان
ایران می جوشد.

رحمان جاری

بهمن ۱۴۰۳

سیاهکل، آتش آزادی

بهمن رسید و باد، خبر آورد با فغان

از جنگل ستاره، ز خون لاله فشان

آنجا که شیرمردان، به پا خاستند سخت

بر شانه های غیرت، تبر کوفتند بخت

سیاهکل، نه نامی ز خاک و جنگل است

سیاهکل، سرود دلیران در گل است

سیاهکل، خروش یلان، در شعله ها

آتش فشان خون شد و جوشید از بلا

آن سروهای سبز، به خاک افتاده اند

اما هنوز رعندند، در جان این بلند

صفایی و جزئی، به کوهستان شدند

در آتش قیام، به مردستان شدند

به نیزه بست دشمن، دل آن سرفراز

اما نشد شکسته، غرور این تراز

هر قطره از سرشک شان، به دشت ریخت

چون رود شد روان، ز سنگرها گذشت

گلوله، بر دل شب، سرود صبح خواند

آزادی از حصار سکوت مرگ ماند

سیاهکل، طلوع شکوه سرخ فام

فریاد ماندگار، به تاریخ و به نام

هر برگ آن درخت، حدیث خون ماست

هر شاخه اش چراغ امید فرداست

در جنگل وطن، هنوز این صدا بلند:

آزادی است نام شهیدان این گزند!

بیدار باش ای خاک، که این خونها هنوز

می جوشد از رگت، ز جنگال ستم سوز

سیاهکل، نه دیروز، که فردای وطن

پیغام روشن است: بجنگیم همچنان!

بهمن ۱۴۰۳

فعال اجتماعی

پیامهای رسیده به همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

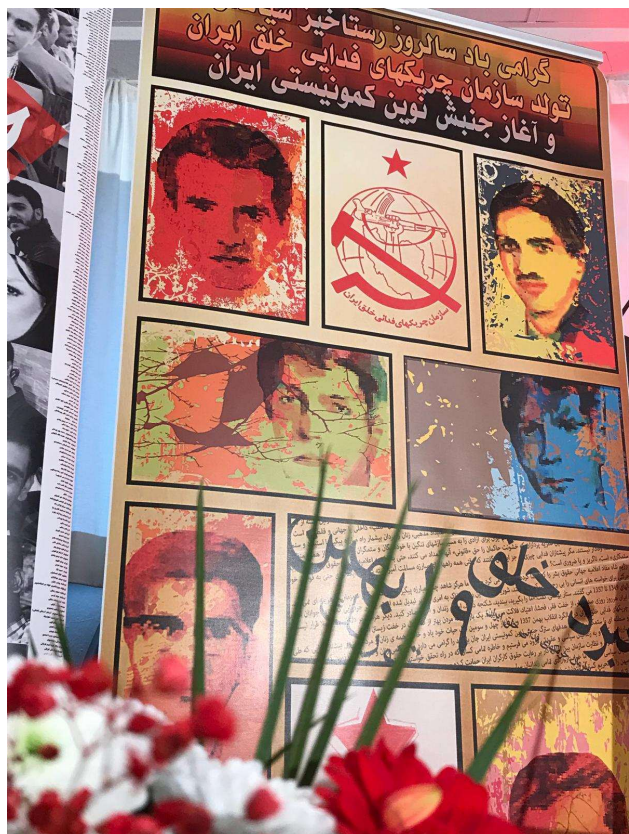
بقیه از صفحه ۱۲

و خواب شب پرستگان را بر آشفت و آغاز مبارزه ای بی امان را در سالهای سیاه علیه دیکتاتوری حاکم رقم زد و زنگ بزرگ خون را به صدا در آورد و طوفانی پیاورد و گزمنگان رژیم دیوانه وار با این پدیده تابو شکن رو برو ساخت که حتی باورش نامی شد.

سیاهکل آغازگاه جنبشی پر جوش و خروش، پرهیمنه و تأثیرگذار بوده و هست و سیاهکل موجودیتی به نام فدایی به بار آورد؛ فدایی بودن نوعی نحوه زیست بود که تا پیش از آن سابقه نداشت و نکته مهم اینکه سیاهکل زنان را به عرصه مبارزه کشاند.

اگر چه شهیدان این رویداد در میان ما نیستند اما خون هر شهید نهال سترگی شد که امروز شاهد آن هستیم.

همچنین از طرفی جنبش فدایی نقطه تلاقی بسیاری از جنبشهای مترقی میهن ما شده و این تأثیرگذاری متقابل موجب تعالی این مجموعه به هم پیوسته و تثبیت جایگاه آن در سپهر



سیاسی میهن ما گردیده است.

اما در سالهای دیکتاتوری نو پای آخوندی و با کشتار سال ۶۷ نشان دادند که وحشت فراوانی از نیروهای پیشرو و بالنده دارند و اینک بعد از گذشت دهه ها صدای رسای آزادیخواهی جوانان بلند است و منتظر روزهای سرنوشت ساز هستند.

اینک و در شرایط کنونی که حاکمیت در منجلاب سیاه کاریهای خود دست و پا می زند و ناراضی عمومی در بالاترین سطح خود می باشد، وظیفه عاجل ما اهمیت دادن به کار تشکیلاتی و یافتن افرادی هستیم تا بتوانیم در زمان لازم نقش مهم خود را بازی کنیم تا از قافله تحركات به جا نماییم.

پیروز باد اتحاد و همبستگی میان همه مردمان و ملیتهای تحت ستم در ایران ننگ و نفرت همیشگی بر تاریک اندیشان و ستمگران پیروز است مبارزات به حق مردم به پاخاسته ایران.

دانشجوی دوره کارشناسی

بهمن ۱۴۰۳

سیاهکل، دیگر یک جغرافیا نیست؛ یک حماسه است!

در سحرگاهان سرد و مه آلود بهمن ماه ۱۳۴۹، در قلب جنگلهای سبز گیلان، سرودی از خون و حماسه طنین انداز شد؛ حادثه ای که تاریخ معاصر ایران را به لرزه درآورد و نام سیاهکل را در دفتر مقاومت حک کرد.

در آن روزگار سیاه که استبداد پهلوی سایه ای سنگین بر زندگی مردمان گسترده بود، گروهی از جوانان آرمانخواه، چونان عقابان کوهستان، دل به شعله آزادی سپردند. آنها از کوچه های

تنگ شهر و دشتهای سبز شمال برآمدند؛ نه سلاحی مدرن داشتند و نه پشتیبانی بزرگ، اما سینه هایی ستبر و اراده ای آهنین، آنان را به مصاف ظلم کشاند.

حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، تنها یک نبرد نبود؛ فریادی بود بر سکوت، شعله ای بود در تاریکی. آن روز، جنگلهای سرسبز، گواه رشادت فرزندان ایران شد. گلوله ها بر درختان نشست، خون بر خاک ریخت، اما فریاد آزادی در میان شاخه های انبوه، پژواک یافت.

یادگار آن دلاوران، امثال علی اکبر صفایی فراهانی، بیژن جزنی، و مسعود احمدزاده، در دل تاریخ ماندگار شد. آنان، جان خویش را نثار ساختند تا نسلی پس از آنان، در سایه آزادی، سر برآورد. هرچند آن قیام سرکوب شد و خون مبارزان به زمین ریخت، اما بذر آگاهی را در دل مردم کاشت. از خاک سرخ آن روز، نهالهایی روید که سالها بعد، به درختی تناور از خیزشهای مردمی بدل شد.

بقیه در صفحه ۱۰

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 486/ February 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>



پیامهای رسیده به همایش بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

رفقا ، عزیزان درود بر شما

در آستانه پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، سرآغاز جنبش مسلحانه برای آزادی و رهایی توده های در بند میهنمان، درودهای بی پایان خود را نثار رزمندگان سیاهکل می کنیم که در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، در جریان نبردی نابرابر ولی آگاهانه با حکومتی تا بن دندان مسلح جان شیرین خود را چه بی دریغ در طبق اخلاص برای مبارزه و گسستن زنجیرهای اسارت و وابستگی و رهایی کارگران و زحمتکشان از بند استثمار و ستم و سرکوب نهادند و از مرگ نیرومند تر بر خاستند. در تاریخ ایران نقاط عطف مهمی وجود دارد که کنش سیاسی پیش و پس از آن را دگرگون می کند. یکی از این نقاط عطف واقعه سیاهکل است.

به همین مناسبت و بزرگداشت رستاخیز سیاهکل و یاد آوری آن حماسه سترگ که گروه جنگل به فرماندهی رفیق علی اکبر صفائی فراهانی انجام شد

بقیه در صفحه ۱۱

پیام شماری از فعالان جنبش دانشجویی

ما فعالان جنبش دانشجویی ایران در پنجاه و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل، یاد و خاطره دلیرانی را گرامی می داریم که با ایستادگی خود، مسیر مبارزه برای آزادی را روشن ساختند.

امروز، در سال ۱۴۰۳، ایران و جهان با تحولات سیاسی عمیقی مواجه اند. در خاورمیانه، طرحهای جدیدی برای تغییرات جغرافیایی و سیاسی مطرح شده که می تواند سرنوشت ملتها را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، دانشجویان آگاه و متعهد ایران، با الهام از رشادتهای گذشته، همچنان پرچمدار عدالت خواهی و آزادی طلبی هستند.

حکومت جمهوری اسلامی با افزایش فشارها و سرکوبها، سعی در خاموش کردن صدای اعتراض دارد. اما نسل جوان ایران، با بهره گیری از تجربیات تاریخی و آگاهی از تحولات منطقه ای و جهانی، مصمم است تا با اتحاد و همبستگی، مسیر دستیابی به حقوق اساسی و آزادهای مدنی را هموار سازد.

پیام ما به تمام ایرانیان در داخل و خارج از کشور این است که با همدلی و حمایت از جنبشهای مردمی و دانشجویی، می توانیم آینده ای روشن و آزاد برای ایران رقم بزنیم.

یاد و نام قهرمانان سیاهکل همواره در قلبهای ما زنده است و راهشان ادامه دارد.

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۳



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم